



آیا شفا دادن دلیل بر حقانیت فرد است+پاسخ حجت الاسلام عابدی

رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم گفت: آنکه دلیل بر حقانیت چیزی می‌شود، استدلال، برهان و منطق است، این دلیل می‌شود، اما اینکه کسی شفا داد یا نداد، هیچ وقت دلیل بر چیزی نمی‌شود ولی متأسفانه مردم سراغ این چیزها می‌روند.

رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم گفت: آنکه دلیل بر حقانیت چیزی می‌شود، استدلال، برهان و منطق است، این دلیل می‌شود، اما اینکه کسی شفا داد یا نداد، هیچ وقت دلیل بر چیزی نمی‌شود ولی متأسفانه مردم سراغ این چیزها می‌روند.

به گزارش خبرگزاری فارس، حجت الاسلام والمسلمین احمد عابدی، استاد درس خارج حوزه علمیه و رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم در سلسله جلسات سخنرانی به نقد و بررسی عرفان‌های نوظهور پرداخته است که بخش بیست و یکم آن در ادامه می‌آید:

***عرفانی به نام سای بابا از واقعیت تا خرافات**

یکی دیگر از عرفان‌های نوظهور، عرفانی است که الان معروف است به سای بابا

سای بابا یک آدمی است که اصالتاً شیرازی است، یعنی آباء و اجدادش شیرازی هستند، از شیراز به بمبئی رفتند و از بمبئی هم به حیدرآباد (جنوب هند) رفتند و در جنوب هند این آقای سای بابا حدود تقریباً شاید هفتاد سال پیش متولد شده است.

سای بابا ادعای خدایی می‌کند، ادعای الوهیت می‌کند و عده‌ای متأسفانه پیروانش هستند. تقریباً یک بار در سال در میان پیروانش ظاهر می‌شود و مراسمی دارند و سخنرانی می‌کنند و عبادت و سجده‌اش می‌کنند و از این مسائل.

گاهی می‌گویند مرام و آیین خودشان عرفان است و دین نیست، بلکه نوعی مسلک عرفانی است و گاهی می‌گویند عرفان هم نیست یک مسلک اخلاقی است، گاهی هم می‌گویند دین جدیدی است، چطور! دین سیک یک دینی است که تلفیق از سه دین اسلام، مسیحیت و هندوئیسم است، آقای نانک آمد یک چیزهایی را از اسلام گرفت و یک چیزهایی هم از مسیحیت و یک چیزهایی هم از هندو و اسمش را گذاشت یک دین جدید، آن طور که سیک یک دین تلفیق از سه دین است و به ادیان دیگر هم احترام می‌گذارند. البته با اینکه می‌گوید احترام می‌گذارند، این سیک‌ها باید همیشه چاقو داشته باشند و معتقدند که تا آخرین مسلمان کشته نشده است چاقو را نباید زمین گذاشت!

در عین حال هم می‌گویند به اسلام احترام می‌گذاریم ولی با مسلمانان هم این قدر مخالفند، سای بابا نیز همین طور است یعنی در سای بابا به اسلام احترام گذاشته می‌شود، در عین حال اسلام دین توحید است، به هندو هم احترام می‌گذارند با اینکه هندو دین شرک است.

***ادعای خدایی سای بابا و سرتعظیم فروآوردن وی در برابر بت‌ها!**

این مسأله کثرت‌گرایی یا پلورالیزم از همه بیشتر در سای بابا است، ادیان و مذاهبی که کاملاً متناقض است با یکدیگر، هر دو را قبول دارند و تأیید هم می‌کنند.

جالب است که مثلاً خود سای بابا با اینکه ادعای خدایی دارد، می‌گوید خدای ما را نیز قبول دارند، ولی خود این سای بابا یک معبد ویشنو ساخته است، ویشنو اسم یکی از بت‌های هندوهاست، یعنی کسی که مدعی خدایی است و مدعی این است که اعتقاد به خدا دارند برای ویشنو معبد ساخته است، یک معبد هم به یک نفر از پیروان خودش دستور داده بود بسازند برای ارجونا که تا معبد تمام نشده بود مرد، ارجونا هم یکی از بت‌های هندوهاست.

سای بابا از سیزده سالگی ادعای خدایی کرده است و از چهارده سالگی ادعای معجزه و الان هم در هند خیلی معجزات زیادی برایش نقل می‌کند و متأسفانه از جاهای مختلف دنیا برای پرستش سای بابا می‌روند. روزی که سای بابا می‌آید جلوی پیروان خودش و دستانش را باز می‌کند، از دستانش دود بیاید، این را یک معجزه حساب می‌کنند، معجزه دیگر سای بابا این است که ادعای علم غیب دارد، معجزه دیگرش این است که می‌گوید مریض شفا می‌دهد، معجزه دیگرش این است که می‌گوید زبان حیوانات را می‌فهمد و پیروانش نیز این چیزها را نسبت به او قبول دارند.

البته دروغ بودن اینها که خیلی پیداست، کسی بگوید من زبان حیوانات را می‌فهم، حالا یک مورچه کاری می‌کند می‌گوید آن مورچه گفت بیا عقب یا برو جلو، نه قابل اثبات است و نه قابل نفی.

*آیا شفا دادن دلیل بر حقانیت فرد است؟!

بله مریض شفا می‌دهد، ولی مریض شفا دادن دلیل بر چیزی نیست، کسی مریض شفا بدهد، دلیل بر این است که بر حق است؟

معجزه این است که برای دلیل بر ادعا آورده شود، این را معجزه می‌گویند. اما اگر یک کسی بگوید من خدایم یا پیغمبرم و نمی‌گوید دلیل بر آن این است که مریض شفا می‌دهم، می‌گوید من خدا یا پیغمبر هستم مریض هم شفا می‌دهم این را معجزه نمی‌گویند.

معجزه این است که این عمل دلیل بر گفتار باشد، اگر کسی دو حرف دارد، یعنی سای‌بابا که می‌گوید من خدا هستم نه به خاطر اینکه می‌گوید مریض شفا می‌دهم، این علتش نیست، می‌گوید من خدایم خیلی کارها می‌توانم بکنم، این کار را هم می‌توانم بکنم، اگر به سای‌بابا بگویید، دلیلت بر خدا بودن چیست نمی‌گوید مریض شفا می‌دهم، بلکه می‌گوید دلیلم بر خدا بودن این است که به دلت مراجعه کن، بین خدا هستم یا نیستم.

تشخیص معجزه مشکل است، مگر در طول تاریخ نبوده است که مردم معجزه می‌دیدند و می‌گفتند سحر است، به خاطر اینکه سحر شبیه معجزه است، مگر سیدمرتضی نمی‌گفت که مثل قرآن می‌شود آورد اما اگر به عنوان قرآن بخواهید بیاورید حالا نمی‌شود، عقیده صرفه همین است، اصلاً سیدمرتضی کتاب مخصوص همین مسأله نوشته است و آستان قدس هم چاپ کرده است، سید مرتضی می‌گوید عین قرآن می‌شود آورد، اما اگر کسی بگوید من به قصد اینکه عین قرآن می‌خواهم بیاورم، دیگر نمی‌شود و الا بدون این ادعا عین قرآن می‌شود آورد.

تشخیص معجزه مشکل است، اینکه در طول تاریخ مردم معجزه را می‌گفتند سحر است، مردم معجزه را می‌دیدند می‌گفتند: «ان هذا الا قولاً لبشران هذا الا سحرٌ یوثر»، نه اینکه ماهیت معجزه با ماهیت اینها فرق می‌کند، نه، تفاوت در ماهیت نیست، تفاوت در ادعاست. حالا این معجزات را خواهم گفت که علت چیست.

سای‌بابا فراوان در کلماتش این را دارد که هیچ کس فکر نکند، درباره اینکه چرا من خدا هستم، این را فکر نکنید، چون فکر احدی به من نمی‌رسد، بعد می‌گوید آیا یک مورچه می‌تواند درباره یک فیل حرف بزند، شماها مثل مورچه‌اید و من هم مثل فیل هستم، خیلی دارد اینکه درباره من و ذات من فکر نکنید، اینکه چرا من خدا شدم، فکر نکنید، فقط این را بدانید که الوهیت و خدا شدن منحصر به من نیست و شما نیز می‌توانید خدا بشوید و از این حرف‌ها درباره خدا خیلی دارد و این جالب است که در ادیان صفاتی که برای خدا می‌گویند: اسلام می‌گوید خدا عالم است و قادر است، یهودیت می‌گوید خدا سخت کیفر است، زرتشتی می‌گوید خدا مهربان است.

سای‌بابا وقتی صفات خدا را می‌خواهد بگوید همیشه می‌گوید عم و مقصودش از عم، علم و قدرت است که ما مسلمانان درباره خدا می‌گوییم. درباره خدایی‌اش می‌گوید کسی دنبال دلیل نباشد و فکر هم نکند که چرا من خدا شدم و فقط بدانید من خدایم و فکر شما به من نمی‌رسد. این خیلی زیاد در کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش تکرار شده است.

مراسم‌شان هم تقریباً در اسفندماه برگزار می‌شود یعنی در اواخر هر سال مراسمی دارند در اطراف حیدرآباد هند، مردم هم از گوشه و کنار متأسفانه می‌روند، سای‌بابا در آن سخنرانی که می‌کند معمولاً سخنرانی‌اش اخلاقی است و معمولاً روی این طور چیزها تأکید می‌کند: روی تقوا، روی صلح، هم نوع دوستی، محبت به خانواده و مسائل اخلاقی بیشترین چیزی است که در سخنرانی‌هایش تأکید می‌شود، بحث مراقبه و فکر کردن درباره خدا، نه درباره سای‌بابا و عشق به خدا، این خیلی زیاد در کلمات سای‌بابا است، اینکه من چرا خدا شدم را می‌گوید فکر نکنید، درباره خدایی هم که خالق جهان است می‌گوید درباره او خیلی فکر نکنید، محبت خدا هم در دل و ذهنتان باشد و امثال اینها.

*اما درباره معجزاتش و یا درباره علم غیبش و امثال اینها

ابوعلی سینا نمط دهم اشارات را درباره همین چیزها قرار داده است و عنوان نمط دهم این است: اسرار آیات، یعنی علت این کارهای عجیب و غریب چیست؟ اگر کسی از غیب خبر بدهد یا مریضی را شفا دهد علت این چیست؟

اولاً: همه اینها با تمرین قابل به دست آوردن است. هر کسی علاقه و ارتباطش را با دنیا کم کند کارهای عجیب و غریب می‌تواند انجام بدهد.

همه این را قبول دارند که وقتی آدم خواب می‌رود می‌تواند یک چیزهایی را ببیند یا بشنود که وقتی بیدار است نمی‌تواند. کی آدم خواب می‌رود، وقتی توجه به دنیا ندارد، آدمی که حواسش به دنیا باشد خوابش نمی‌برد و وقتی که حواسش به دنیا نبود، حالا خوابش می‌برد و وقتی خوابش برد خیلی چیزها را می‌بیند و می‌شنود و این قابل انکار نیست و ربطی به مسلمان و کافر ندارد، همه همین طور هستند، حالا اگر بنده، الان که بیدارم بتوانم مثل موقعی که می‌خواهد خوابم ببرد، چطور غافل از دنیا می‌شوم، وقتی از دنیا غافل می‌شوم چیزهایی را می‌بینم و می‌شنوم، خواب دیدن اینطور است، وقتی توجه به دنیا ندارد خوابش می‌برد و آن موقع که خوابش برد یک چیزهایی را می‌بیند و می‌شنود. حالا من اگر در بیداری توانستم این کار را بکنم که از این دنیا غافل بشوم، آن موقع هم می‌توانم بگویم در دل شما چه خبر است، می‌توانم از خیلی چیزها هم خبر بدهم.

هیچ وقت در هیچ روایتی نیامده است، خبر از غیب دادن را دلیل بر حقانیت کسی بگیرد. آنکه مثلاً عیسی(ع) می‌گوید: «انباکم بما تذخرون فی بیوتکم»، آن در مقام تحدی با کسانی بود که آن‌ها هم همین را داشتند، یعنی همان مسأله صرفه سید مرتضی می‌شود.

درباره کارهایی که سای‌بابا انجام می‌دهد، (مثلاً) مریض شفا می‌دهد. قدرت روح و قدرت نفس خیلی بیشتر از این چیزهاست. این را قبلاً عرض کرده بودم که در لبنان کلیسایی است که اتاق پهلویش پر است از عینک و ویلچر و عصا و اینطور چیزها و بالای کوه هم هست، یعنی آنقدر زیاد بوده‌اند که آدم با ویلچر آمده آنجا و خوب شده و شفا گرفته و ویلچر را گذاشته و بدون ویلچر برگشته است، شفا دادن مریض هیچ وقت دلیل بر حقانیت کسی نبوده است. وقتی که روح قوی باشد می‌تواند بدن خود آدم را شفا بدهد، روح خیلی قویتر باشد می‌تواند بدن دیگری را شفاعت کند.

در این درویش قادی، اگر ندیدید شاید شنیده‌اید، درویش قادی این طوری هستند، چاقو یا خنجر را می‌دهند دستتان و می‌گویند فرو کن در شکم من، شما هر چه چاقو را در شکمشان فشار بدهید شکمش از فولاد هم سفتتر است و به درون شکمش نمی‌رود، بعد بدهید دست خودش، خودش چاقو را به راحتی فرو می‌کند داخل شکمش و از کمرش بیرون می‌کشد، با دستش خونس را پاک می‌کند و زخمش خوب می‌شود و ذره‌ای اثرش نمی‌ماند، خوب اینها واقعیت است و دروغ که نیست، وجود دارد. چطور این کار را می‌کند، این قدرت روح است، قدرت نفس است.

بنده الان روحم، به کل بدنم حواسش است، یعنی اگر یک پشه بنشیند روی پایم اذیت می‌شوم، روی سرم هم بنشیند اذیت می‌شوم، به خاطر اینکه روح من پخش است در کل بدن و حواسش به کل بدن است، اگر توانستم روحم را متمرکز کنم اینجا می‌دستم، در پایم چاقو فرو کنید دردم نمی‌آید، روی دستم هم بخواهید چاقو فرو کنید از فولاد سفتتر است، اینجا را چاقو فرو می‌کنید زخم می‌شود و بعد دوباره روحم را متمرکز می‌کنم اینجا، توی یک دقیقه خوب می‌شود، اینها که واضح است و چیز مشکلی نیست، اینکه سای‌بابا مریض را شفا بدهد به این خاطر است. البته یک موارد زیادی از معجزاتی که برای سای‌بابا می‌گویند دروغ است، خرافه است، یک مواردی هم راست است.

آنکه دلیل می‌شود بر حقانیت چیزی استدلال است، برهان است، منطق است، این دلیل می‌شود. اما اینکه کسی شفا داد یا نداد، اینها همیشه در کتاب‌ها خواندیم که مثلاً مسیلمه کذاب وقتی به او گفتند: رسول خدا(ص) آب دهان انداخت در چاهی و چاه پر شد، آمد در چاهی که آب داشت، آب دهان انداخت و چاه خشک شد، البته او آب دهان انداخت که چاه پر آب بشود ولی چاه آب داشت و او آب دهان انداخت و چاه خشک شد، خود این معجزه است یا نیست؟ همین که آب دهان بیندازی در چاهی که آب دارد و خشک شود، خود این معجزه است، شما که نمی‌توانید انکار کنید، ولذا می‌گوییم اینها هیچ وقت دلیل بر چیزی نمی‌شود ولی متأسفانه مردم سراغ این چیزها می‌روند.